



آتیه‌نو

A T I V E N O

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:
ابراهیم رستمیان مقدم
سر دبیر: اکبر هاشمی
معاون سردبیر: رضا جمیلی
دبیر تحریریه: میترا فردوسی
مدیر هنری: سیدعلی رضا میرزامصطفی
صفحه‌ارایی: حمید ابراهیمی
ویرایش عکس: شبنم رضوانی
تحریریه: نسرین ظهیری، فاطمه علی اصغر
صدرا محقق، امین جلالوند،مسعودشاه‌حسینی
حمیدرضا عبدلوند، مرتضی کریمی، مجتبی کاوه
محمد زینالی، بهاره اسلامی و...
با تشکر از: بیژن رضضانی، ابراهیم باقری،
صولت فروتن
نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
تلفن تحریریه: ۰۶-۸۵۱۷۰۸۵
www.Atiyehnoweekly.ir
چاپ: هنر سرزمین سبز
آگهی و اشتراک: ۰۹۱-۸۵۱۷۰۸۵
ناظر چاپ: علی توتونی

«نشان دهخدا» شایسته‌های خود را شناخت

چهارمین دوره کتاب سال اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور ویژه علوم انسانی و اهدای «نشان دهخدا» ۲۹ آبان ماه در تالار جابرین حیان دانشگاه تربیت مدرس با حضور دکتر مسعود کوثری، مدیرعامل انتشارات علمی و فرهنگی و دبیر جشنواره نشان دهخدا، دکتر احمد مسجد جامعی، عضو شورای شهر تهران، نیکنام حسینی پور، مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب و... برگزار شد. به گزارش «ایرنا»، کتاب «تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات انگلیسی» اثر حسین جوادی، «ارزشیابی عملکرد دولت و حکومت» اثر علی اصغر پورعزت و میر یعقوب سید رضایی، «نظارت و ارزشیابی در آموزشی» اثر عباس یازگان و مسعود فراسخواه، برگزیدگان چهارمین دوره نشان دهخدا شناخته شدند.

۱۶ | آتیه‌نو

ایلیتوت

جایی برای حرف‌های خودمانی



دوشنبه ۵ آذر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هفتادونه

A T I V E N O

طنز کارگری

در مذمت تولید!

بهرسی «این روزها نان توی چه کاری است؟» می‌گوید: «بنگاه‌داری و دلالتی» بعدش اگر از همان بچه‌پیرسی «چه شغلی آدم را ورشکست و بدبخت خواهد کرد؟» سریع می‌گوید: «کار تولیدی!»

حالا شما می‌خواهید بنگاه‌ها را بفروشید و کارگاه تولیدی بزنید. خب این طوری که بچه‌چاره می‌شویم که!

گفت روزی پیرمردی با جوانی خام و خرد ای بیم جان! بشتو این اندرز و تردیدی نکن در میان شغل‌ها هر کار می‌خواهی بکن لیک تنها این میانه کار تولیدی نکن!

صاحب‌نظرتر و خوشگل‌تر است؟ بگو تا نژدم خرد و خاکشیرت کنم.» متاسفانه اینه حرفی نزد و همین‌طور قامت ناساز بی‌لندام سیاهم را نشانم داد و پرو بر نگاهم کرد.

اما من به این سیاه‌نمایی‌ها وقتی نمی‌نهم و نظرم را می‌دهم. اصلا هرچه شد، شد! در روزنامه خواندم که: «سازمان تامین اجتماعی باید از بنگاه‌داری فاصله بگیرد.» همین‌طور اضافه کرده بود: «باید سرمایه‌های سازمان را به سمت تولید ببریم.» خب مشکل همین جاست دیگر داداش! داری اشتباه می‌زنی. شما الان اگر از یک بچه پنج ساله هم

بدهند، یک جوری درستش می‌کنم از روز اولش هم بهتر!

در تمام رشته‌ها ما دکتربیم درس ناخواندیم، اما دکتربیم کنتراتی در تمام مشکلات راه‌حل داریم، زیرا دکتربیم در همین راستا، من هم با خود فکر کردم که مگر من چهارم از بقیه کمتر است؟ چرا من نتوانم نظریه‌های بنیادی برای حل مشکلات سازمان‌ها بدهم؟ رفتم جلو اینه و پرسیدم: «ای اینه درب و داغان پیزوری! چه کسی از همه مردم در همه زمینه‌ها متخصص‌تر و

● سرعت گیر - ۳۰ ●
● عبدالله مقدمی ●

فکر می‌کنم در حال حاضر در کشور ما فقط خواجه حافظ شیرازی خبر نداشته باشد که صندوق‌های بیمه و بازنشستگی مملکت در وضعیت نیمه‌بحرانی، شب‌را صبح می‌کنند، البته به هزار و یک دلیل. در مورد این هزار و یک دلیل اما، نه تنها همه احاد جامعه که حتی خواجه حافظ شیرازی هم نظر می‌دهد و تاکید دارد که «فقط نظر من درست است و اگر همین سازمان‌ها را شش ماه دست من

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی

آتش سوزی در کالیفرنیا

نوشت: «اگه این آتش‌سوزی کالیفرنیا با این ابعاد تلفات انسانی، زیست‌محیطی و مفقودی در هر جای دنیا اتفاق افتاده بود، رسانه‌های جریان سلطه افکار عمومی، جهان را تا مرز انفجار پیش می‌برند. مدعیان آزادی اطلاعات چرا اجازه تهیه و انتشار تصاویر از این تراژدی انسانی را نمی‌دهند؟!»

آرش خوشخو که پروتکل‌های حفاظتی رسانه‌های آمریکا را دلیلی بر عدم پوشش خبری گسترده این حادثه می‌داند، در این‌باره نوشت: «حتی یک تصویر از ۶۰ کشته آتش‌سوزی کالیفرنیا را ندیده‌ایم. بعید می‌دانم کسی تا به حال تصویری از قربانی‌های تیراندازی‌های دسته‌جمعی در مدارس و دانشگاه‌های آمریکا دیده باشد. پروتکل‌های حفاظتی رسانه‌های آمریکا خارق‌العاده هستند.»

در طرف مقابل اما، پوشش خبری مداوم صداوسیما از آتش‌سوزی کالیفرنیا، کاربری به نام «مصطفی» را به واکنش واداشت تا با دستمایه طنز قراردادن آن، در این‌باره بنویسد: «اهالی کالیفرنیا طی بیانیه‌ای رسمی از صداوسیما به‌خاطر پوشش شبانه‌روزی آتش‌سوزی که باعث جلوگیری از بی‌عملی دولت شد تشکر و قدردانی کردند.»

رسیده عده‌ای خانه‌های خالی را سرقط می‌کنند، اما نه کسی آنجا امنیت ملی آمریکا را تخریب می‌کند نه سلبریتی‌هایش موج ناامیدی و ناکارآمدی راه‌اندازی می‌کنند.»

کاربری به نام «رقیه» هم از تفاوت واکنش‌ها در ایران و آمریکا گفت و در این خصوص نوشت: «این روزها یک نفر هم در آمریکا نمیکه چرا مسئولان ما هفت تریلیون دلار در خرمیانه خرج می‌کنند، اما برای وسایل آتش‌نشانی در کالیفرنیا هزینه نمی‌کنند یا اینکه مردم ما در آتش‌سوزی دارن کشته میشن، اما دولت ما به فکر جنگ در دیگر کشورهاست؟»

در این بین اما پوشش خبری کم‌رنگ بسیاری از رسانه‌های دنیا از آتش‌سوزی کالیفرنیا و حجم خسارات وارده از آن نیز واکنش بسیاری از کاربران را در پی داشت. کاربری به نام «محمد» در این خصوص نوشت: «در جریان آتش‌سوزی مهیب کالیفرنیا تاکنون ۷۶ نفر کشته شدن و بیش از ۱۳۰۰ نفر هم ناپدید، اما پروتکل رسانه‌ای حاکم اجازه انتشار تصاویر کشته‌شدگان رو نمیده! تصور کنید اگه ایران بود چه رقابتی داشتیم برای بازنشر تصاویر دلخراش!»

کاربر دیگری به نام «رسول» نیز در این‌باره

یکی دیگر از کاربران به نام «فاطمه» هم در این خصوص نوشت: «تو کالیفرنیا چند وقته که آتش‌سوزی اتفاق افتاده، بعد هیچ‌کس نمیکه آمریکای بزرگ و ابرقدرت چرا عُرْضه مهار به آتش رو ندازه؟ دیگه کار به جایی رسیده که عکس‌برداری از محدوده آتش‌سوزی رو ممنوع کردن که بیشتر از این آبروشون نره! باز یگرای هالیوود هم عکس میذارن از خونه‌های سوخته‌شون!»

کاربری به نام «امید» اما می‌گوید خاموش نشدن این آتش به دلیل حجم بالای آن است نه ضعف دولت آمریکا، او در این‌باره نوشت: «آتش‌سوزی جنگل‌های شمال و جنوب کالیفرنیا از مصادیق گرم‌شدن کره‌زمین و تغییرات آب‌وهواست. این حجم آتش تقریباً ۴۵۰ کیلومتر مربع مساحتشه. انگار مثلاً کل جاده تهران تا اصفهان به عرض یک کیلومتر بسوزه. اگه موفق نشدن تا الان خاموش کنن از بی‌لیاقتیشون نبوده، کار خیلی سختیه.»

کاربری به نام «حسین» نیز با کنایه‌زدن به برخی واکنش‌ها در زمان شرایط مشابه در ایران با آنچه در کالیفرنیا پیش آمده است، در این‌باره نوشت: «کالیفرنیا در آتش می‌سوزد و دولت آمریکا ناکارآمدترین عملکرد را تا اینجا داشته. بسیاری از جنگل‌های شهر در آتش سوخته، خبر

● هشتنگ ●
● صدرا محقق ●

در روزهای گذشته که آتش‌سوزی مهیبی در ایالت «کالیفرنیای آمریکا» به‌وقوع پیوست، انتشار تصاویر و فیلم‌هایی از خسارات وارده به این ایالت در شبکه‌های اجتماعی که میزان گسترش و حجم این آتش‌سوزی را در مناطق مختلف این ایالت نشان می‌دهد، واکنش‌های بسیاری را میان کاربران شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان در پی داشت. تقابل و حساسیت‌های اخیر میان دو کشور نیز باعث شده تا بسیاری از کاربران با انتشار تصاویر این آتش‌سوزی به مقایسه واکنش‌ها و خسارات ناشی از حوادث طبیعی در ایران و آمریکا بپردازند.

«ایدا احدیانی» در خصوص این آتش‌سوزی نوشت: «خیلی ترسناکه و غمگین عکس‌های کالیفرنیا. زندگی‌ت خاکستر بشه. خانم دوده‌ای رو دنبال می‌کنم در اینستا که از یک آتش‌سوزی جنگل در استرالیا زنده مونده و تجربه‌اش رو از اون اتفاق تعریف می‌کنه. هر بار که فکر می‌کنم به مرگ اون‌هایی که سوختن، دلم به درد میاد. کاش تموم شه این کابوس زودتر.» کاربری به نام «محسن» نیز در این‌باره نوشت: «آتش‌سوزی‌های اخیر کالیفرنیا دقیقا همون چیزیه که همیشه می‌گیم آدم برای دشمنش هم آرزو نمیکنه، امیدوارم زودتر خاموش شه این آتش.»

در سال‌های اخیر همواره هنگام وقوع برخی حوادث طبیعی، بحث داغی میان کاربران شبکه‌های اجتماعی در خصوص مقایسه ایران و کشورهای دیگر در مواجهه با حوادث و مدیریت خسارات ناشی از آن شکل می‌گیرد، این بار نیز وقوع آتش‌سوزی در کالیفرنیای آمریکا، واکنش‌های بسیاری را در این زمینه میان کاربران به‌دنبال داشت.

کاربری به نام «زهر» با پیش کشیدن این مقایسه همیشگی، در این‌باره نوشت: «میگم مگه آمریکا قدرتمند نبود، مگه پیشرفته و مجهز به بهترین تکنولوژی‌های روز دنیا نبود اصلا مگه آمریکا کدخدا نبود! پس چرا این سویر من‌ها در مقابل آتش کالیفرنیا کاری نمیکن، آخه پادمه زمان آتش پلاسکو، آمریکا نردبان‌های بلندی داشت که تا آسمون هم آتش رو خاموش می‌کرد، پس چرا استفاده نمیکنه ازش؟»

● گزارش ●
● مهر آدین بشیری‌راد ●

گزارشی از مراسم کتاب‌گردی که در نشر مرکز برگزار شد

ما آمدیم

پنج سالی است که ناشران و کتاب‌فروشی‌ها، در روز آخر هفته کتاب و کتاب‌خوانی، میزبان مراسم کتاب‌گردی هستند. این مراسم نمادین با هدف تاکید بر اهمیت نقش کتاب‌فروشان با همراهی نویسندگان، شاعران، مترجمان و منتقدان ادبی برگزار می‌شود. امسال هم در این روز، مانند چهار سال گذشته شاهد برنامه‌های متفاوتی از سوی ناشران بودیم و «نشر مرکز» نیز از این قاعده مستثنی نبود و با نشست‌های متنوعی، به استقبال این مراسم رفت. نشست اول با حضور لیلی گلستان، بابک احمدی و عباس مخبر برگزار شد و به بررسی فعالیت سلبریتی‌ها در حوزه کتاب پرداخت. در ادامه، حافظ موسوی، علی عبداللّهی و کامیار عابدی درباره دوران اوج شعر در چهار دهه اخیر به بحث و گفت‌وگو پرداختند و معایب و محاسن آسان‌شدن انتشار شعر در دنیای مدرن را بررسی کردند. آن‌ها در حین صحبت‌هایشان شعرهایی از شاعران معاصر نظیر رضا برهانی، شمس لنگرودی، فرشته ساری، رزا جمالی، عباس صفاری و یدالله‌روایی خواندند. پس از آن مصطفی مستور، مهدی ربی و امیرحسین خورشیدفر به بحث درباره بحرانی که ادبیات داستانی امروز با آن روبه‌روست پرداختند. مستور از مفهوم اندیشه صحبت کرد و مهدی ربی با اشاره به ناشایسته ماندن ادبیات داستانی مدرن در دوازده سال تحصیل مدرسه و سپس دانشگاه، خواستار توجه بیشتر به‌مقوله ادبیات در سیستم آموزشی کشور و ایجاد فضایی برای آشنایی بچه‌ها با ادبیات مدرن شد. از نظر او در صورتی که این مهم انجام گیرد، ادبیات تبدیل به یک جریان می‌شود. او در پایان اضافه کرد: «اگر بپذیریم که بحرانی وجود دارد، باید از اساسی‌ترین بحران، یعنی آموزش آغاز کنیم.» امیرحسین خورشیدفر نیز ضمن معرفی واژه «جمهوری جهانی ادبیات»، گفت که اگر بحرانی وجود دارد، معلول شاخصه‌های بزرگ‌تری است. در پایان روز، «نشر مرکز» میزبان فرزانه طاهری، علی صلح‌جو و جعفر مدرس صادقی بود که پیرامون «ویرایش در نظر و عمل» به تبادل نظر پرداختند. پنجمین دوره مراسم کتاب‌گردی نیز با شعار «من هم می‌آیم» به پایان رسید، اما تمامی این برنامه‌ها آغاز راه است برای ترویج کتاب و کتاب‌خوانی و ساختن جامعه‌ای آگاه‌تر و آزادتر.



دعوا در ساختمان ما!

حمید و اسماعیل گوشه‌ای از ساختمان مشغول جوشکاری بودند. حامد هم در یکی از واحدها در حال گچ‌کاری بود.

حسن هم در گوشه‌ای دیگر از ساختمان داشت وسایل و ابزار بنایی‌اش را تعمیر و مرتب می‌کرد. امید، برادرش علی و پسرانش حبیب و امیر، مشغول تخلیه کامیون مصالح بودند. هوا تا حدودی ابری بود. اما نه از آن ابرهای تیره و باران‌زا. ابری سفید که نشانی از بارندگی نداشت و فقط آمده بود هوا را لطیف کند.

نسیم صبحگاهی و خنده و شادی بچه‌های ساختمان، نوید یک روز شاد و خوب را می‌داد.

اما همه این‌ها آرامش قبل از توفان بود. ساعتی از صبح گذشته بود که ماشین وانتی جلو ساختمان ما ایستاد. زن و مردی از آن پیاده شدند.

جوان را شناختم. داماد امید بود. مرد جوان به سالای کامیونی که امید و پسرانش بار آن را تخلیه می‌کردند سرکی کشید. چیزی گفت و غرولندکنان از کامیون پایین پرید و حبیب و امیر، پسران امید، با چوب و چماق به طرفش حمله‌ور شدند. درگیری شروع شد و زدوخورد شدیدی به‌وجود آمد.

پیرمرد، تا با پاهای کم‌رق و دست‌های لرزانش از پله‌های آهنی کامیون پایین بیاید، درگیری به اوجش رسیده بود. امید فوراً خودش را به وسط مهلکه رساند تا شاید مانع آن شود. درگیری خانوادگی آن‌ها این قدر شدت گرفته بود که در آن بلبشو و خشم، غضب و عصبان، چوبی به هوا بلند شد و به اشتباه، بر سر امید فرود آمد. پیرمرد، بدن نحیفش استقامت نداشت. به زمین افتاد و بی‌هوش شد.

کشمکش و سروصدا با آمدن نیروهای پلیس خاتمه پیدا کرد. امید هم که با آمدن ماشین اورژانس و معاینه، تازه به حال آمده بود، یک سره سراغ پسرانش را می‌گرفت و نگران دامادش بود. دستی روی سر ضربه خورده‌اش کشید.

اثری از خون ندید. کمی خیالش راحت شد. اما چشمانش توی شلوغی آنجا، دنبال پسرانش می‌گشت. با دیدن پسرش حبیب می‌خواست دوباره از حال برود. دعوا بود و در آن حلوا خیرات نمی‌کردند. از سر حبیب خون می‌آمد و پیراهنش غرق خون بود. در عجب ماندم از این همه خشونت، این همه قساوت که در این دوره از تاریخ هنوز وجود دارد.

شور جوانی و تصعب و کم‌تجربگی، یک بحث خانوادگی را به یک میدان جنگ گلابیاتوری تمام‌عیار تبدیل کرد. امید با تحیر، مدام اطرافش را نگاه می‌کرد و سرش را به نشانه تأسف تکان می‌داد. از اینکه خانواده‌اش به جان هم افتاده بودند خیلی غصه می‌خورد. آن دعوای خانوادگی، آن‌ها را چند روزی از کار کردن و نان درآوردن هم خواهد انداخت.

همگی به کالانتری رفتند تا از همدیگر شکایت کنند.

چند روزی را باید در پیچ‌وخم راهروهای دادگاه بگذرانند. بی‌جهت نیست که می‌گویند ما از عصبی‌ترین جوامع جهان هستیم. رفتارهای خشونت‌آمیزی که هرروزه شاهدش هستیم. به‌طوری که سال‌هاست از ته دل نخندیده‌ایم. اگر هم خنده‌ای بوده، تلخ و گزنده و برای استهزا. گاهی هم خنده‌ای از گریه غم‌انگیزتر.